من امام زمان نمی‌خواهم

**تألیف:**

**س. ن. طبرستانی**

تابستان 1390

تهران

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | من امام زمان نمی‌خواهم |
| **نویسنده:**  | س. ن. طبرستانی |
| **موضوع:** | عقاید (کلام) - بررسی عقاید مذهبی شیعه (زیارت قبور، شفاعت، علم غیب، امامت و مهدویت، خمس) |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | تیر (سرطان) 1396 هـ.ش - شوال 1438 هـ.ق |
| **منبع:**  | کتابخانه قلم www.qalamlib.com |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ قلم دانلود شده است.****www.qalamlib.com** |  |
| **ایمیل:** | **book@qalamlib.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.qalamlib.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |
| **محتوای ​این کتاب لزوما بیان****گر دیدگاه سایت کتابخانه قلم​ ​نمی‌باشد؛ بلکه بیانگر دیدگاه ​نویسنده آن است.** |
|  |  |

بنام خداوند رحمان و رحیم

الْحَمْدُ لِلهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

با سلام بر محمد بن عبدالله پیغمبر خاتم و حبیب خداوند؛ و دوستداران واقعی آن حضرت از گذشته تا آینده.

\* \* \*

دروغ چرا. از خدا که پنهان نیست، از اوائلی که داستان وجود امام زمان را چه در مدرسه، چه در محیط خانه و هزاران جای دیگر که رژیم امام زمانی ایران برای تبلیغ امورات خویش دارد می‌شنیدم، همیشه با این امام مخفی مشکل پیدا می‌کردم. آن زمان‌ها اصلا به گوشه مغزمان هم خطور نمی‌کرد که:

(این همه انسان هستند که همه برای خودشان امام زمان دارند و انتظار می‌کشند) اصلا همیشه فکر می‌کردیم (فکر که هیچ، بی‌شک یقین داشتیم) که امام زمان ما تنها امام زمانی است که فعلا در محضر خداوند است و یک روز می‌آید. همیشه یقین داشتیم که آخرین امامی که می‌آید و ما انتظارش را بر خود واجب می‌دانیم، فرزند امام حسن عسکری است. بی‌آنکه بدانیم حسن عسکری اصلا فرزندی نداشته است! حتی اگر کسی این حرف‌ها را به ما می‌گفت، یک ثانیه طاقت نمی‌آوردیم، به شدت با او برخورد می‌کردیم و او را کافر می‌دانستیم؛ و اگر هم برخورد نمی‌کردیم، گوش‌های خود را می‌گرفتیم که حرف‌هایش را نشنویم. مگر می‌شود امام زمانی که هر موقع چه در مدرسه، چه در نشست‌ها، چه در نماز جمعه، اسمش می‌آمد ما باید بلند می‌شدیم و برایش سه صلوات می‌فرستادیم، اصلا وجود نداشته باشد؟ ما همه این‌ها را توطئه می‌دانستیم (یعنی به ما این طوری یاد داده بودند و به ما از همان کودکی القاء کرده بودند)، همیشه به ما می‌گفتند: این‌ها اسلام ستیز و دشمن اسلام هستند و از قدرت اسلام هراس دارند. در کل من خودم و خیلی از هم سن و سالانم فکر می‌کردیم اسلام فقط در مذهب خودمان است و کمی هم در اهل سنت. همیشه به ما آموخته بودند که اهل سنت دشمن علی است و مگر می‌شود دشمن علی مسلمان باشد و اسلام؟ به هر حال از وقتی که به اهل سنت روی آوردم و کتاب‌ها و مقالاتی را به غیر از مطالبی که از همان کودکی مغز ما را با آن‌ها پر کرده بودند، مطالعه کردم؛ اسلام راستین و حقیقی را در این دیدم. خیلی از چیزهایی که ما از همان کودکی فقط با چند دلیل مسخره و مضحک آموخته بودیم و باید به آن پایبند می‌بودیم (حتی تحقیق در موردشان حرام بود)، همه را در اهل سنت با دلائل قرآنی و علمی و مستند دیدیم. بی‌شک کسی که یکبار فقط یکبار کتاب‌ها و مطالب اهل سنت را بی‌تعصب و حق طلبانه بخواند، متوجه تعارض شدید مذهب دوازده امامی‌ها با دین مبین اسلام و آیات عزیز قرآن و فرمایشات پیامبر و سنت آن عزیز می‌شود.

در آخر این بخش اضافه کنم که: عرض کردم بنده همیشه با امام زمان دچار مشکل می‌شدم. همیشه منتظر بودن کسی که هزار سال است کسی او را ندیده و هیچ خبر و هیچ کمک و منفعتی از او به کسی نرسیده است، برایم خیلی خیلی دردناک بود. هیچ گاه در دل خودم آن حسی را که مثلا به حضرت پیامبر داشتم نمی‌توانستم نسبت به او داشته باشم؛ لذا به اطرافیان خویش می‌گفتم: (ببینید! ما زمان حیات حضرت پیامبر نبوده‌ایم، اما بدون شک در دلمان انس و علاقه شدیدی به آن حضرت داریم؛ و به طور عامیانه با آن حضرت دنیایی داریم و حالی می‌کنیم) پس چرا با این امام مخفی که خود را از همه پوشانده است، نمی‌توانیم حس و رابطه عاشقانه‌ای داشته باشیم؟ با این تفسیر که به ما می‌گویند همه جا حاضر و ناظر و هم عصر ماست؟ من آن زمان به هیچ وجه فکر نمی‌کردم که خب شاید اصلا امام زمانی وجود نداشته باشد! ولی همیشه احساس بدی داشتم.

به هر حال بعد از گرایش به اهل سنت، متوجه خیلی از مسائلی که رهبران شیعه برایمان واجب کرده بودند و اصلا وجود خارجی و یا اصلا جزء اسلام نبوده است، شدم. مثل جریان امامت که در مذهب خرافه (امامیه) رکن و اصول اسلام به شمار می‌آید. یا مثلا اینکه اهل سنت، دشمن امام علی است. به یقین می‌توانم بگویم که بیشترین احترام و ارزش را به علی ÷ اهل سنت قائل می‌شود. در بعضی مواقع (من خودم این جمله را همین چند وقت پیش شنیدم) که می‌خواهند تفرقه را به اوج برسانند، می‌گویند: آن‌ها هم اسلام دارند؟ مگر می‌شود اسلام داشته باشی و مسلمان باشی، ولی حتی در اذان اسم مبارک علی را نیاوری؟ این چه اسلامی است؟ .... در صورتی که اگر تاریخ را بخوانیم، متوجه می‌شویم که نه تنها اسم علی در اذان جایی نداشته است، بلکه خیلی چیزهای دیگر هم چنین است. اصلا جزء اعمال حضرت محمدبن عبدالله ص نبوده است.

به هر حال در این چند صفحه می‌خواهم بگویم که چرا من امام زمان مخفی نمی‌خواهم؛ و سپس چند نمونه از اعمال شاقه‌اش را در این جا بیاورم. نه تنها امام زمان بلکه خیلی چیزهای دیگر را نمی‌خواهم، برای همین به اهل سنت روی آوردم.

بی‌شک کسانی هستند که بعد از خواندن این مطالب ما را به خیلی مسائل متهم می‌کنند؛ ولی ایرادی ندارد. مگر نبودند عزیزانی که از این مذهب خرافه به سنت روی آوردند و حرف حق را بازگو کردند و جانشان را در این راه گذاشتند، مثل آیت الله برقعی /.

(راه درست را انتخاب کن)

با یاد خدا و با توکل به او شروع می‌کنیم

خوب چرا من امام زمان نمی‌خواهم؟

تا به حال شنیده‌اید که شخصی به گورستان برود و اموات را از گور در بیاورد و آن‌ها را بزند و شکنجه کند؟

اصلا انسان می‌تواند برای چنین عملی نامی بگذارد؟ مثلا چه بگوییم، خوب است بگوید شگنجه‌گر اجساد؟ حیوان درنده؟ قسی القلب؟ ... خوب چه نامیدید؟ به نظر شما از یک انسان هم چنین عملی سر می‌زند؟ آیا می‌شود کسی امام باشد و چنین کارهایی از او سر بزند؟ چرا نمی‌شود، هر چند که شبیه افسانه‌های قدیمی می‌باشد، ولی این اتفاق را امام زمان دوازده امامی‌ها به شما نشان می‌دهد! تا به شما ثابت کند که او همه کاره است و هر کاری را می‌توان از او شاهد بود.

دوازده امامی‌ها معتقدند:

اولین کاری که امام زمان آن‌ها بعد از بیرون آمدن از لاک دفاعی خود و فائق آمدن به ترس هزار ساله خود (آیا امام ترسو می‌شود؟ امامی که هزار سال به فکر جان خویش باشد نه به فکر مردم؟) انجام می‌دهد، بیرون کشیدن اجساد دو نفر از یاران و خلیفه حضرت پیامبر اکرم است، يعنى ابوبكر و عمرب. امام زمان بعد از بیرون کشیدن آن‌ها از قبرهایشان آن‌ها را شکنجه می‌کند و بعد از این، پای خود را از گلیمش درازتر کرده (مثل اینکه پایش خیلی دراز است) و آن دو نفر را می‌سوزاند.

 نعمت الله جزائرى مدعى است كه: مولایشان امام زمان بعد از اينكه آن دو را از قبرهايشان بيرون آورد، برای تمام اتفاق‌های ناخوشایند و همه ستم‌هایی که چه قبل از آن دو و چه بعد از آن‌ها رخ داده است! از آن‌ها انتقام می‌گیرد. از قتل هابيل و قابيل گرفته تا گناه برادران يوسف كه او را به چاه انداختند؛ و ظلم نمرود كه ابراهيم÷ را به آتش انداخت و حتى از گناه آتش پرستان نيز از آن دو انتقام می‌گيرد!.

در بالا عرض کردیم که: مثل اینکه پایش خیلی دراز است که از گلیمش بیرون می‌زند، چرا که بعد از آن‌ها به سراغ همسر پیامبر خدا حضرت محمد بن عبدالله ص يعنى ام المؤمنين عايشه ل رفته و او را از قبر بیرون کرده و او را شلاق می‌زند.

آیا این شخص می‌تواند امام باشد؟ براستی که انسان خواندن او هم گناه دارد.

\* \* \*

خوب چرا من امام زمان نمی‌خواهم؟

تا به حال شنیده‌اید که شخصی برود و مساجد را که خانه خداست و در آن مومنان به عبادت خدای خویش و راز و نیاز با آن یکتای بی‌همتا می‌پردازند، آنجا را خراب کند؟ براستی که این عمل فقط و فقط از کسانی سر می‌زند که بی‌خدا هستند؛ و برای خدا و خانه‌ای که محل عبادت اوست، به اندازه عدس هم ارزش قائل نمی‌شوند. البته الان هستند کسانی که به بی‌خدایی خویش افتخار می‌کنند ولی تا به حال ندیده‌ایم که راه بیفتند و روی زمین همه مساجد را با خاک یکسان کنند. ولی شما این عمل را از امام زمان شیعه دوازده امامی می‌بینید. این گفته خودشان است نه اینکه کسی بخواهد به آن‌ها نسبت دهد. آیا امامی که مساجد را خراب می‌کند، امام است؟ تازه او می‌خواهد بیاید تا دستورات الهی را اجرا کند!!!! امام آن‌ها به مسجد النبی و مسجد الحرام و خانه کعبه روی خوش نشان نمی‌دهد. آیا انتظار کشیدن همچنین شخصی باید واجب باشد؟ آیا ما باید بخواهیم که چنین شخصی زودتر ظهور کند؟ بنده اگر با چنین شخصی روبرو شوم، خودم اولین کسی هستم که با او وارد جنگ می‌شوم .

در کتاب الرجعه احسائى ص 184و162می‌خوانیم:

زمانی که امام زمان بیاید تمام مساجد روی زمین را خراب می‌کند . او از خانه کعبه و مسجد النبی شروع می‌کند. به چه بهانه‌ای؟ به این بهانه که آن‌ها را به همان اساس اولیه باز گرداند.

در کتاب الارشاد مفيد ص 365 می‌خوانیم:

از زبان ابو جعفر نقل می‌کند که: وقتی قائم قیام می‌کند به کوفه می‌رود و چهار مسجد را در آن ویران می‌کند! و هیچ مسجدی را که در روى زمين شرف و عزتى داشته باشد رها ننموده بلکه ويران می‌کند.

شخصی که مردگان را از قبر بیرون می‌کشد و آن‌ها را شکنجه می‌کند و شلاق می‌زند و می‌سوزاند! و مساجد و خانه کعبه را ویران می‌کند، آیا امام است؟

\* \* \*

خوب چرا من امام زمان نمی‌خواهم؟

آیا شما اگر با کسی که مشکل دارید ببینید آن شخص مجروح شده است و در جایی افتاده است، به او کمک می‌کنید؟ یا می‌روید او را در همان حالت جراحت به قتل می‌رسانید؟ به نظر شما اگر کسی در چنین مواقعی چنین عملی بکند، می‌توان او را انسان نامید؟ به خداوندی خداوند یکتا، کسانی هم که مسلمان نیستند در این مواقع به کمک (همنوع) خود می‌روند. کشورهایی بوده‌اند که بینشان جنگ بوده است، ولی بعد از جنگ برای یکی از آن کشورها مثلا زلزله پیش آمده است. مردم آن کشور به کمک مردم کشور زلزله زده می‌روند. این انسانیت است.

آیا کسی که در حق شما یک عمل نا خوشایندی انجام داده است، اگر بعد بیاید و در جلوی شما اظهار ندامت و پشیمانی کند او را می‌بخشید؟ یا اینکه او هر چه اظهار ندامت کرد و پشیمانی کرد و گفت: دیگر آن کار را انجام نمی‌دهد، باز شما در صدد انتقام گرفتن از او بر می‌آیید؟ ولی امام زمان شیعیان دوازده امامی نه بویی از انسانیت برده است نه بویی از دین مبین اسلام و احکامش. چرا که او توبه هیچ کس را نمی‌پذیرد و همه را به قتل می‌رساند! او شخصی کاملا بی‌رحم است.

این جملات را بخوانیم: و چنان قسى القلب و بيرحماست كه حتى مجروحان را كشته و از كسى توبه هم نمی‌پذيرد[[1]](#footnote-1).

و حتى به ابوجعفر نسبت می‌دهند كه گفته: پيامبر در ميان امتش با نرمى رفتار كرده است و با مردم به خوبى و آرامش رفتار نموده است، اما قائم با قتل و كشتار عمل می‌كند و در كتابى كه با او می‌باشد آمده: از كسى توبه نپذيرد و كشتار كند و واى بركسى كه با او مخالفت نمايد.

آیا کسی که خوی حیوانی داشته باشد و همیشه به فکر انتقام؛ و همیشه به فکر جنگ و قتل و کشتار و عدم بخشش و خشونت باشد، می‌توان او را جزء انسان‌ها بشمار آورد؟ چرا این موجود سیاه قلب را امام می‌دانند؟ در کل بیخود نیست که نائب بر حقش (خامنه‌ای) همیشه در فکر جنگ و غارت و کشتار می‌باشد، چرا که از امام خود در غار راهنمایی و دستور می‌گیرد.

این جملات را بخوانیم:

تا حدى جنایت و ظلم و ستم می‌كند كه براى توجیه کردن اين ستم‌ها از ابوجعفر نقل کرده‌اند كه گفته است: بسيارى از مردم می‌گويند كه اين از آل محمد نيست والا رحم می‌كرد. بنا به گفته‌ی مفيد، حتى اموات نيز از شكنجه اين منتقم كينه توز اماميه رها نمی‌شوند، وی پانصد تا پانصد تا يكجا گردن می‌زند.[[2]](#footnote-2)

احسائى از ابوعبدالله نقل می‌کند و می‌گويد: اين كار به اتمام نمی‌رسد مگر اينكه دو سوم مردم كشته شوند! و از او سؤال می‌شود كه بعد از رفتن دو سوم جهان چه می‌ماند؟ می‌گويد: آيا از اينكه شما يک سوم بقيه باشيد خشنود نمی‌شويد!؟[[3]](#footnote-3)

\* \* \*

خوب چرا من امام زمان نمی‌خواهم؟

مگر خداوند در قرآن نفرموده است: ﴿ٱلۡيَوۡمَ أَكۡمَلۡتُ لَكُمۡ دِينَكُمۡ﴾ [المائدة: 3] «امروز دینتان را کامل و تکمیل کرده‌ام؟» آیا پیامبر اکرم محمد بن عبد الله ص این همه وقت و عمر خود را برای دین اسلام گذاشتند، کافی نبود؟ آیا حضرت پیامبر ص نتوانستند دین را به نحو احسن برای انسان‌های دنیا تبلیغ کنند؟ آیا خداوند (چقدر دیر!) به یادش افتاده است که دین محمد (ص) خوبی نبوده است، پس دین جدیدی با شخص جدیدی برای ما می‌فرستد؟ و هزاران سوال از این قبیل. اگر کسی نزد شما بیاید و بگوید من دین جدیدی برای شما آورده‌ام چه برخوردی با او می‌کنید؟ آیا قبول می‌کنید که خداوند کسی را برای انسان‌ها با دین جدیدی بفرستد؟ ولی شیعه‌های دوازده امامی به این مسئله معتقدند و انتظار دین جدیدی را دارند. شیعه‌ها به قدری به دعاهای خرافی و جعلی و دروغ روی آورده‌اند که قرآن را فراموش کرده‌اند. مگر در قرآن نداریم که دین اسلام بهترین و عزیزترین دین است[[4]](#footnote-4). آن‌ها معتقدند همان شخص منتقم و جنگجو و خونریز و مسجد خراب کن، برایشان دین و کتابی بهتر از اسلام و قرآن می‌آورد. آیا امامی که با همسر پیامبر و خلیفه پیامبر و خانه کعبه مشکل دارد، باید انتظار او را کشید؟

 این جملات را بخوانیم:

نعمانى از ابو جعفر نقل می‌كند كه: «قائم قيام می‌كند با دستورى نو و كتابى جديد و حكمى جديد! بر اعراب بسى سختگير است و با آن‌ها جز شمشير نمی‌شناسد و توبه نمی‌پذيرد»[[5]](#footnote-5).

طوسی نقل می‌كند كه: «قائم به امرى غير از آنچه بوده است قيام می‌كند»[[6]](#footnote-6).

 و كلينى از ابوعبدالله نقل می‌كند كه: دنيا تمام نمی‌شود تا اينكه مردى از من با حكم آل داود حكومت كند و از دليل و بينه نمی‌پرسد.

و صفار اضافه می‌كند كه با حكم داود و سليمان حكم می‌كند و از دليل و بينه نمی‌پرسد[[7]](#footnote-7).

\* \* \*

خوب چرا من امام زمان نمی‌خواهم؟

تا به حال شنیده‌اید که مثلا امام علی یا امام حسین ترسو باشند؟ آیا تا به حال شنیده‌اید که علی÷ از ترس اینکه کسی فرقش را نشکافد، رفته و درون چاه خانه‌اش مخفی شده است؟ آیا تا به حال شنیده‌اید که امام حسین از ترس جانش خود را گم و گور می‌کرده؟ نه قطعا کسی این جملات را نشنیده است؛ و اگر هم کسی این حرف‌ها را بگوید، کسی باور نمی‌کند. چرا که کسی که می‌خواهد راهنمای مردم باشد؛ و سنت پیامبر را ادامه بدهد و مردم را به دین خدای یکتا سوق دهد، هیچگاه ترس را بر خود راه نمی‌دهد. مگر کم شنیده‌ایم که لازمه امامت، شجاع بودن شخص است. پس چگونه است که امامیه خود را ملزم به ایمان داشتن به امامی کرده است که از ترس، هزار سال است خود را مخفی کرده است و جان خویش را بالاتر و عزیز تر از پیامبران خدا و یا مثلا امام علی و امام حسین می‌داند؟!. آیا کسی که هزار سال است به فکر دنیا و زندگی و جان خویش است، می‌تواند امام باشد؟ آیا همچنین فرد ترسو و بزدلی می‌تواند بیاید و دنیا را از عدل و داد پر کند؟ مگر خداوند در قرآن نفرموده است:

**﴿**وَأَلۡقَيۡنَا بَيۡنَهُمُ ٱلۡعَدَٰوَةَ وَٱلۡبَغۡضَآءَ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ**﴾** [المائدة: 64]

«و ما در میان آنان تا روز قیامت دشمنی و کینه افکندیم».

 این آیه را در اینجا آوردم به این دلیل که اگر به امامیه بگویی: چرا امام زمانتان ظهور نمی‌کند؟ می‌گوید: منتظر است که بستر مناسبی پیدا شود بعد ظهور می‌کند. طبق فرمایش آیه بالا مشخص می‌شود که تا روز قیامت در جهان دشمنی و جنگ و عداوت وجود دارد. پس امام زمان هرگز نباید از حالت ترس خارج شود. طبق روایتی که از امام رضا دارند می‌گوید: امام زمان، زمانی که ظهور کند یک جوان سی ساله است (بعد از هزار سال غیبت سی سال دارد؟!!!) و می‌تواند با فریادش کوه‌ها را متلاشی کند. آیا همچنین شخصی باید ترسو باشد؟!

(شاید از بمب اتم می‌ترسد!!!)

به هر حال هیچ کدام از جواب‌های امامیه نمی‌تواند صحت داشته باشد، چرا که کسی که خود را هزار سال مخفی می‌کند، مثل کارتون‌های بچه‌ها می‌تواند خود را هر لحظه در جنگ غیب کند و از پشت دشمن سر در بیاورد و از پشت، دشمن را از بین ببرد. مگر این شیعه دوازده امامی نیست که می‌گوید: امام زمان در بین ما زندگی می‌کند و ما او را نمی‌بینیم. پس چنین قدرتی نباید از کشته شدن بترسد، چرا که قدرت عجیبی دارد و می‌تواند مثل روح نامرئی دشمنانش را از پا در بیاورد.

غيبت او بخاطر ترس و خوف از کشته شدن خودش است، چنانکه مجلسی احاديث 1 و 2 و 5 و 10 و 16 و 18 و 20 و 22 نقل کرده است. اين عمل او صحيح نيست و برخلاف سنت إلهی و قرآن است، زيرا اگر بنا باشد کسی حجت إلهی باشد و غايب شود؛ و از ترس مردم خود را مخفی کند، بايد تمام انبياء مخفی می‌شدند، آنان باید خود را هرگز نشان نمی‌دادند، زيرا احتمال این بود که هر پيغمبری را مخالفینش به قتل برسانند، پس بايد ابلاغ رسالت نمی‌نمود. حال آنکه خداوند در قرآن مجید فرموده است:

﴿إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ ٱلۡمُرۡسَلُونَ١٠﴾ [النمل: 10].

«رسولان در نزد من نمى‏ترسند!»

**﴿**فَلَا تَخَافُوهُمۡ وَخَافُونِ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ١٧٥**﴾** [آل عمران: 175].

«پس اگر مؤمن هستيد از آنان نترسيد و از من بترسيد».

**﴿**فَلَا تَخۡشَوُاْ ٱلنَّاسَ وَٱخۡشَوۡنِ**﴾** [المائدة: 44].

«پس از مردم مترسيد و از من بترسيد».

این جملات را بخوانیم:

طوسی می‏گوید: علتی به جز ترس از قتل خودش مانع ظهور او نشده است، چون اگر غیر از این بود، مخفی بودن جایز نبود([[8]](#footnote-8)).

از امام رضا روایت شده که گفته: قائم کسی است که وقتی خروج می‌کند هم سن پیران و در شکل جوانان است، او دارای بدنی قوی است به طوری که اگر دستش را دراز کند و درخت بزرگی را بگیرد، آن را از ریشه در می‌آورد. اگر در میان کوه‌ها فریاد بزند، سنگ‌های آن متلاشی می‏شوند. او عصای موسی و انگشتر سلیمان را به همراه دارد([[9]](#footnote-9)). (پس ترسیدن او منتفی است و دلیلی ندارد.)

خمینی می‎گوید: هر پیامبری برای اجرای عدالت آمده است و هدف آن‌ها اجرای عدالت در دنیا بوده است، ولی موفق نشدند!! حتی محمد ج خاتم پیامبران که برای اصلاح و پاک کردن بشر و اجرای عدالت آمده بود، او نیز موفق نشد!! و کسی که به معنای واقعی کلمه پیروز خواهد شد و عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد كرد، مهدى منتظر است!!([[10]](#footnote-10)).

(کار به کجا کشیده است که خمینی که تمام دنیا او را به خاطر اعدام‌ها و کشتارهایش می‌شناسند و به بیسوادی محضش معروف است، در مورد حضرت پیامبر عزیز اسلام اینگونه لجن پراکنی می‌کند. و این حرف او عواقب بدی را برایش در محضر خداوند به دنبال دارد. در ضمن این امام زمانی که از ترس جانش هزار سال در چاه‌ها سکنی اختیار کرده است، او می‌خواهد بیاید و منجی بشریت باشد؟ حضرت پیامبر با اینکه ختمی مرتبت بود، از جانش ترسی نداشت و مرد و مردانه در برابر تمام کفار و مشرکین ایستاد. وی در صحنه جنگ حاضر شد و زخمی گردید و خونش هم ریخت، حال امام زمان ترسو می‌خواهد بیاید کاری که حضرت پیامبر کامل انجام نداده است را کامل و بهتر از آن حضرت انجام دهد؟!. اگر دینش و کارش را کامل نکرده بود که خداوند او را در دنیا نگاه می‌داشت. (مثل حرف‌های خودتان). شیعیان دوازده امامی بهتر است بروند دنبال غاری یا چاهی برای امام زمانشان بگردند، تا اگر امام ظهور کرد و ترسید، سریع امامشان را مخفی کنند. آیا همچنین کسی می‌تواند امام باشد؟

\* \* \*

خوب چرا من امام زمان نمی‌خواهم؟

تجسم کنید شما رفته‌اید در مورد یک شخص تحقیق کنید. نام شخص مورد نظر را به همراه نام پدرش را می‌برید. یکی می‌گوید فلانی اصلا فرزند نداشته است که این شخص نامبرده بخواهد فرزند او باشد. دیگری می‌گوید: درست است او فرزند فلانی است، ولی قبل از تولد پدرش را از دست داده است. دیگری می‌گوید: نه خیر بعد از تولد پدرش را از دست داد. و خلاصه از هر کس یک جواب می‌گیرید. چه حسی به شما دست می‌دهد.؟

بعد که از پدرش هیچ چیزی عائد نشد، می‌پرسید مادرش کیست؟ یکی می‌گوید: مادرش کنیز است. دیگری می‌گوید: نه خیر، مادرش آزاده است. بازهم به نتیجه نمی‌رسید. نام مادرش را می‌پرسید.

یکی می‌گوید: سوسن. دیگری می‌گوید: نه خیر، نام مادرش ریحانه است. دیگری می‌گوید: نه خیر، نام مادرش مریم است. دیگری می‌گوید: نام مادرش حکیمه است.

خلاصه نه به پدر او می‌رسید نه به مادرش و نه به خیلی چیزهایی دیگر. این موارد در مورد پدر و مادر امام زمان شیعه دوازده امامی صحت دارد. نه فقط این‌ها، بلکه سال تولد، چگونگی حمل و ولادت او، محل اقامت او و خیلی از این نوع مسائل، همگی در سایه‌ای از ابهام قرار دارد و تو گویی که این‌ها همه توهم است. (تا به اینجا چند مورد از ایرادات امام زمان امامیه را ذکر کردیم و دیدیم که: چگونه امامی می‌باشد، همه این‌ها به کنار، اکنون متوجه می‌شویم چه امام بی‌اصل و نسبی است این شخصیت جنایتکار.)

این جملات را بخوانیم:

پیرامون شخصیت محمد بن حسن عسکری و معیّن بودن مادرش که آیا کنیز بوده یا آزاده؟ و چگونگی حمل او، ولادت او، سال تولد او، حکم هم اسم بودن با او، کیفیت رشد او، محل اقامت او، بازگشت او به شکل پیر یا جوان، مدت حکومت او، مدت غیبتش، علت غیبتش، سپس در امکان رؤیت او در زمان پدرش و شک و تردیدهای پیرامون نائبانش؛ و ضعیف بودن روایاتی که بر ولادتش دلالت می‌کند، همچنین بی‎خبری بسیاری از شیعیان گذشته از او و کارهایی که هنگام خروج انجام می‏دهد! و بالاخره غایب بودن او برای مدت طولانی و اقدام شیعیان به انتقال صلاحیت‌های او به علمای مجتهد؛ و اختلاف و کشمکش‌های زیادی که وجود دارد.

جلد 51 بحار الانوار

سال تولد امام زمان شیعه دوازده امامی

سال تولد او را مجهول قرار داده، زيرا در ص 4 می‌گويد: در سال 256 بوده است.

هم‌چنين در ص 15 و در ص 2 روايت کرده که سال تولد او در سال 255 می‌باشد.

در ص 23 می‌گويد: سال 258 متولد شده است.

در ص 25 روايت نموده در سال 257 به دنيا آمده است.

در ص 16 روايت نموده که در سال 254 تولد گرديده است.

از مجموع اين روايات معلوم می‌شود سال تولد او مجهول است.

روز تولد

در ص 2 روايت کرده در 15 شعبان متولد شده است. \*

در صفحۀ 23 روايت کرده که در 23 رمضان متولد شده است.

در ص 24 روايت کرده که در روز 9 ربيع الأول متولد شده است. \*

در ص 25 روايت کرده که در 3 شعبان متولد شده است . \*

در ص 16 روايت کرده که در شب جمعه ماه رمضان متولد شده است.\*

از مجموع اين روايات معلوم می‌شود که روز تولد او مجهول است.

مادر درست و حسابی هم ندارد. پیدا کنید مادرش را!!!

در ص 2 از ابی‌الحسن روايت کرده که نام مادر مهدی نرجس است.

در ص 5 روايت کرده که نام مادر او صيقل و يا صقيل است که در زمان حيات حضرت عسکری فوت شده است.

در ص 7 روايت کرده که نام مادر او مليکه بنت يشوعا است.

و در ص 15 حديث آورده که نام مادر او ريحانه بوده است.

و در ص 15 نيز روايت کرده که نام مادر او سوسن بوده است.

و در ص 23روايت کرده که نام مادر او حکيمه بوده است.

و در ص 24 حديث آورده که نام مادر او خمط است.

و در ص 28 روايت نموده که نام مادر او مريم دختر زيد العلويه می‌باشد.

از مجموع اين روايات معلوم می‌شود، مادرش هم مجهول است. (عجب امامی.هیچ چیزش شبیه امامان نیست)

بد نیست بدانیم:

\* مهدى حقيقى مورد اشاره در احاديث براى كمک و نصرت اسلام و مسلمين خواهد آمد، او در بين نژادها تفاوت قائل نمی‌شود و اما امام زمان مجعول روحانيت، فقط براى كمک آن‌ها خروج كرده و از ديگران و حتى از مردگان انتقام می‌گيرد! و چنان از اعراب و مخصوصا از قريش كراهت دارد كه در ميان پيروانش كسى از آن‌ها وجود ندارد!! آيا اين امام زمان جزئى از توطئه شعوبيه بر عليه اسلام و اعراب نيست؟!.

\* مهدی راستین زمانی که می‌آید با بدعت‌ها می‌جنگد و آن‌ها را از بین می‌برد. او از سنت پیامبر عزیز اسلام پیروی می‌کند. ولی امام زمان دوازده امامی‌ها مردم را به دین جدید و کتاب جدید دعوت می‌کند. (یعنی تاریخ مصرف دین عزیز اسلام و کتاب عزیز قرآن تمام شده است؟ خدایا ما را ببخش)

\* مهدی حقیقی زمانی که بیاید مساجد را گرامی داشته و آن‌ها را آباد می‌کند. مگر نه اینکه مسجد خانه خداست و محل پرستش و عبادت او؟ ولی امام زمان دوازده امامی‌ها مساجد و کعبه را از بین می‌برد؛ و اين تخريب از مسجد الحرام وخانه‌ی كعبه ومسجد النبى آغاز می‌گردد.

\* مهدی واقعی زمانی که بیاید یاران و نزدیکان پیامبر را گرامی می‌دارد و از سنت و روش آن‌ها پیروی می‌کند. (مگر در قرآن نیامده است که از پیامبر فرمان ببریم) او عائشه همسر پیامبر را دوست می‌دارد و او را عزیز می‌شمارد. (مگر نه اینکه خداوند در قرآن در مدح و پاکی او آیاتی را نازل کرده است؟ بی‌شک مهم بوده است که خود خداوند در قرآن از او یاد کرده است!) دشمنی شیعه با عائشه ل به خاطر این است که چرا نامی از فاطمه یا خدیجه در قرآن نیامده است. ولی امام زمان شیعه زمانی که بیاید نسبت به یاران پیامبر کینه می‌ورزد و آن‌ها را به آتش می‌کشد و حتی عائشه را حد می‌زند.

\* مهدى راستين به كتاب خدا و سنت رسول او رفتار می‌كند. اما امام زمان ساختگى به حكم آل داود -يهود- فرمان می‌دهد!.

\* امام زمان شیعه زمانی که بیاید تمام کسانی را که بر شیعه سخت گرفته و آن‌هارا اذیت نموده‌اند، از بین می‌برد. (پس چرا ملا‌های شیعه می‌گویند: می‌آید تا منجی بشریت باشد؟ خوب بگویید: می‌آید تا منجی شیعه باشد و به طور محض در خدمت شیعه است، پس منجی بشریت و دشمن ظلم چیست؟)

\* در جواب بالا باید گفته شود: کسی که هزار سال است در چاه و سرداب و هرجا که سوراخ باشد، چبیده است! و از ترس جان خود دستورات خدا را روی زمین گذاشته است!!!، چگونه می‌تواند انتقام شیعیان را بگیرد؟ او ترس را از خود دور کند، انتقام شیعه پیشکش او.

\* این امام زمانی که شیعه منتظر اوست، باید پرسیده شود: آیا از او کوچکترین سود و منفعتی به شما رسیده است؟ او هیچ سودی ندارد که هیچ، بلکه مملو از ضرر و فساد است. آن جانی و منتقم و خشن و مسجد خراب کن و بی‌پدر و مادر (اصلا وجود خارجی ندارد که بخواهد پدر یا مادر داشته باشد) در این هزار سال، حتی به اندازه یک رفتگر هم سود نداشته است (چه برسد که در آخرت و دین مردم). ولی شما تجسم کنید در این مدت چقدر رفتگر و مسئول تمیزی شهرها به مردم جامعه خود منفعت رسانده‌اند!.

\* هرگاه امامی ظهور کرده، دشمنانی داشته است، بنابراین امام زمان شیعه نباید هرگز ظهور کند.

\* چرا انبیاء و رسولان و امامان قبل، غایب و مخفی نشده‏اند؟ چگونه این امر ممکن است در حالی که علمای شیعه تاکید می‏کنند که تمام امام‌های آن‌ها یا مسموم شدند یا کشته شدند([[11]](#footnote-11)).

آیا دشمنان او غیر از دشمنان پدری‏اش بوده است که همه آن‌ها مسموم یا مقتول شده‏‏اند؟ پس چرا آن‌ها نترسیده‏اند؟ یا مخفی نشده‏اند؟ و چرا او تنها کسی است که ترسیده و مخفی می‏شود؟!

\* نظریه ترس به طور قطعی از اخلاق اهل بیت به دور است. در حالی که آن‌ها دوست داشتند در راه خدا به شهادت برسند، مخصوصاً مهدی می‎دانست که تا نزول عیسی ÷؛ زندگی می‌کند و کسی قادر به قتل او نیست تا زمین را پر از عدل کند، پس آیا دشمنان قدرتمند و دولت‌های متزلزل چنین ترسی را دارند؟

بدون شک این سخنی باطل بوده و اساسی ندارد. مخفی شدن به طور کلی مخالف امامت است، امامتی که مبنای آن شجاعت است، پس باید خروج کند و صبر پیشه کند تا پیروز شود.

\* چرا می‎ترسد؟ مگر در روایت شیعه نیامده است که: امامان می‏دانند که چه وقت می‎میرند و جز با اختیار خود نمی‎میرند!!([[12]](#footnote-12)).

\*مگر شیعه ادعا ندارد که امام چهار نائب داشت و مردم توسط آن‌ها با امام ارتباط برقرا می‌کردند؟ آیا این چهار نفر ادعا نمى‏کردند که مهدی امام مردم است و آن‌ها نایبان او هستند؟! پس چرا یکی از این نایبان چهارگانه که ادعای ارتباط با امام مهدی را داشته‏اند، کشته نشدند؟ چرا كسى كه مى‏خواست امام را بكشد در كمين ننشست تا وقتى اين نائبان كه نزد امام مى‏روند با آن‌ها رفته و امام را بكشند؟ !

**﴿**أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ ٱلۡقُرۡءَانَۚ وَلَوۡ كَانَ مِنۡ عِندِ غَيۡرِ ٱللَّهِ لَوَجَدُواْ فِيهِ ٱخۡتِلَٰفٗا كَثِيرٗا٨٢**﴾** [النساء: 82]

«آیا در قرآن نمی‌اندیشند؟ که اگر از سوی غیر الله بود، قطعاً اختلاف بسیار در آن می‌یافتند».

تفاوت‌های میان مهدی اهل سنت و مهدی شیعه([[13]](#footnote-13))

| م | مهدی شيعه | م | مهدی اهل سنت |
| --- | --- | --- | --- |
| 1 | محمد بن الحسن | 1 | محمد بن عبدالله |
| 2 | در سال‏های 254- 255-256-257- 258 به دنیا آمد([[14]](#footnote-14)) | 2 | به دنیا نیامده است |
| 3 | ابوبکر و عمر را به صلیب می‏کشد و عایشه را حد شرعی می‏زند([[15]](#footnote-15)) | 3 | عدل را برپا می‌کند |
| 4 | اعراب را می‏کشد([[16]](#footnote-16)) | 4 | زمین را پر از عدل می‌کند |
| 5 | ولادتش غیر طبیعی است([[17]](#footnote-17)) | 5 | ولادتش طبیعی است |
| 6 | مساجد را ویران می‌کند([[18]](#footnote-18)) | 6 | مساجد را بزرگ می‏دارد |
| 7 | قرآن جدید می‏آورد([[19]](#footnote-19)) | 7 | قرآن جدید نمی‏آورد |
| 8 | معصوم است | 8 | معصوم نيست |
| 9 | امور خارق العاده و معجزه دارد([[20]](#footnote-20)) | 9 | امور عجیب و غریب و خارق العاده ندارد |
| 10 | قرآن را نسخ می‌کند و شریعت جدیدی می‏آورد([[21]](#footnote-21)) | 10 | تابع شریعت محمد ج است |
| 11 | برای انتقام مبعوث شده است([[22]](#footnote-22)) | 11 | رحمت است |
| 12 | امام و پسر امام و وصی و پسر وصی است([[23]](#footnote-23)) | 12 | امام و وصی نیست |
| 13 | پیروانش از بنی اسرائیل هستند([[24]](#footnote-24)) | 13 | مسلمانان پیرو او هستند |
| 14 | دوران کودکی‏اش را در زیرزمین می‏گذراند([[25]](#footnote-25)) | 14 | دوران کودکی‏اش را درخانه سپری می‌کند |
| 15 | بیعتی بر گردن او نیست([[26]](#footnote-26)) | 15 | بیعتی بر گردن او است |
| 16 | شهادت با او معادل دو شهادت است([[27]](#footnote-27)) | 16 | شهادت با او معادل شهادت با دیگران است |
| 17 | منتظران او از جنگجویان بدر و اُحد بیشتر اجر دارند([[28]](#footnote-28)) | 17 | منتظرانش اجری ندارند |
| 18 | دجال را می‏کشد([[29]](#footnote-29)) | 18 | عیسی ÷ دجال را می‏کشد |
| 19 | اولین کسی که با او بیعت می‌کند جبرئیل در شکل یک پرنده است([[30]](#footnote-30)) | 19 | جبرئیل با او بیعت نمی‌کند |
| 20 | محمد ج از پیروان او است([[31]](#footnote-31)) | 20 | پیامبر از او تبیعیت نمی‌کند، بلکه او از پیروان پیامبر است |
| 21 | مردان را می‏کشد و شکم زنان حامله را پاره می‌کند([[32]](#footnote-32)) | 21 | چیزهایی از این قبیل را انجام نمی‏دهد |
| 22 | مادرش معلوم و معروف نیست([[33]](#footnote-33)) | 22 | مادرش معروف خواهد بود |
| 23 | حمل و ولادت او در یک روز بوده است([[34]](#footnote-34)) | 23 | حمل و ولادت او طبیعی است |
| 24 | از پهلو حامله می‏شود نه از راه رحم([[35]](#footnote-35)) | 24 | از طریق رحم حامله می‏شود |

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| 25 | از میان ران‌ به دنیا می‏آید برخلاف سایر زنان([[36]](#footnote-36)) | 25 | از راه طبیعی به دنیا می‏آید |
| 26 | در روز هفتم کتاب‌های ابراهیم و نوح و ادريس و صالح و هود و داود و موسى و عيسى و قرآن را مي‏خواند([[37]](#footnote-37)) | 26 | چیزهایی از این قبیل برای او اتفاق نمی‏افتد |
| 27 | جز مادرش کسی به او شیر نداده است([[38]](#footnote-38)) | 27 | از مادرش شیر می‏خورد و ممکن است که از زنان دیگر نیز شیر بخورد |
| 28 | در 40 روزگی راه می‏رفت([[39]](#footnote-39)) | 28 | خرق عادت نمی‌کند |
| 29 | 182 نام دارد([[40]](#footnote-40)) | 29 | این تعداد اسم ندارد |
| 30 | گذاشتن نام بر دیگران حلال نیست و کسی که خود را به اسامی او بنامد ملعون است([[41]](#footnote-41)) | 30 | گذاشتن نام او جایز است. |
| 31 | پسر کنیز است([[42]](#footnote-42)) | 31 | خداوند عالمتر است |
| 32 | 309 سال حکومت می‌کند([[43]](#footnote-43)) | 32 | حکومت نمی‌کند و گفته شده که 7 سال حکومت می‌کند |
| 33 | ملائکه پیرو او هستند([[44]](#footnote-44)) | 33 | ملائکه پیرو او نیستند |
| 34 | مردگان پیرو او هستند([[45]](#footnote-45)) | 34 | مردگان پیرو او نیستند |
| 35 | در زمان او کسانی که در مشرق هستند از مغرب دیده می‏شوند([[46]](#footnote-46)) | 35 | پیروانش چنین معجزه‏ای ندارند |

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| 36 | مردی در زمان او زندگی می‌کند به طوری که هزار پسر به دنیا می‏آورد([[47]](#footnote-47)) | 36 | چنین نیست |
| 37 | سایه ندارد([[48]](#footnote-48)) | 37 | سایه دارد |
| 38 | ترس او را یاری می‌کند([[49]](#footnote-49)) | 38 | ترس او را یاری نمی‌کند |
| 39 | به حکم داود حکم می‌کند([[50]](#footnote-50)) | 39 | به حکم محمد ج حکم می‌کند |
| 40 | مانعین زکات را می‏کشد([[51]](#footnote-51)) | 40 | مانعین زکات را نمی‏کشد |
| 41 | برادر از برادر ارث می‏برد([[52]](#footnote-52)) | 41 | طبق شریعت پیامبر ج ارث می‎برد |
| 42 | علم زیادتری از پیامبر ج دارد([[53]](#footnote-53)) | 42 | تابع پیامبر ج است و شریعت جدید ندارد |
| 43 | عیسی به یاری او می‏آید([[54]](#footnote-54)) | 43 | عیسی به یاری او نمی‏آید، بلکه او پیرو عیسی است |
| 44 | ترسو است([[55]](#footnote-55)) | 44 | شجاع است |
| 45 | قبل از خلقت مردم خلق شده است([[56]](#footnote-56)) | 45 | قبل از خلقت مردم خلق نشده است |
| 46 | ولادتش سری است([[57]](#footnote-57)) | 46 | ولادتش آشکار است |
| 47 | جبرئیل دستش را می‏بوسد([[58]](#footnote-58)) | 47 | جبرئیل دستش را نمی‏بوسد |
| 48 | عيسی وزیر او است([[59]](#footnote-59)) | 48 | او پیرو عیسی است |

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| 49 | خضر در جلو او راه می‏رود([[60]](#footnote-60)) | 49 | خضر در جلو او راه نمی‏رود |
| 50 | 8 ماه مردم را می‏کشد([[61]](#footnote-61)) | 50 | مسلمانان را نمی‏کشد |
| 51 | مردم را می‏بیند در حالی که آن‌ها او را نمی‏بینند([[62]](#footnote-62)) | 51 | مردم را می‏بیند و آن‌ها نیز او را می‏بینند |
| 52 | سخن گفتن در مورد او صحیح نیست | 52 | صحبت کردن در موردش صحیح است |
| 53 | نواب او وقتی به کف دستش می‏نگرند حکم آن مسأله را می‏دانند([[63]](#footnote-63)) | 53 | پیروانش چیزهای عجیب انجام نمی‏دهند |
| 54 | علم در قلبش مثل بوته رشد می‌کند([[64]](#footnote-64)) | 54 | مثل سایر مردم علم را فرا می‏گیرد |
| 55 | مردم را به ولایت علی و برائت از دشمنانش دعوت می‌کند([[65]](#footnote-65)) | 55 | به ولایت علی دعوت نمی‌کند |
| 56 | کسی که از او اطاعت کند خدا را اطاعت کرده. و کسی که از او سرپیچی کند از خدا سرپیچی کرده است([[66]](#footnote-66)) | 56 | چنین نيست |
| 57 | به تورات يهودیان و انجيل مسيحيان حكم می‌كند([[67]](#footnote-67)) | 57 | به کتاب خدا و سنت محمدج حکم می‌کند |
| 58 | بعد از او 12 مهدی است([[68]](#footnote-68)) | 58 | بعد از او 12 مهدی نیست |
| 59 | در زیرزمین او را زیارت می‏کنند([[69]](#footnote-69)) | 59 | بعد از او کسی به دنیا نمی‏آید و زیرزمین ندارد |
| 60 | مردگان مختار هستند که پیرو او باشند یا در قبر بمانند([[70]](#footnote-70)) | 60 | مردگان از پیروان او نیستند و سلطه‏ای بر آن‌ها ندارد |
| 61 | هر بیعتی قبل از او کفر و نفاق است([[71]](#footnote-71)) | 61 | تمام بیعت‌های قبل از او صحیح هستند اگر شرایطش فراهم بوده باشد |
| 62 | ابلیس را می‏کشد و این معنای این آیه است که می‏گوید **﴿**وَحَفِظۡنَٰهَا مِن كُلِّ شَيۡطَٰنٖ رَّجِيمٍ١٧**﴾** [الحجر: 17] (الحجر)([[72]](#footnote-72)) | 62 | ابلیس را نمی‏کشد و آن روز معلوم است که روز قیامت است |
| 63 | پیروانش روزها در میان ابرها راه می‏روند([[73]](#footnote-73)) | 63 | در میان ابرها راه نمی‏روند |
| 64 | شعار پیروانش یا لثارات الحسین است([[74]](#footnote-74)) | 64 | انتقام کسی را نمی‏گیرند |
| 65 | قتل بیشتر می‏شود([[75]](#footnote-75)) | 65 | جز کسی را که استحقاق ندارد نمی‏کشد |
| 66 | قضاوت جدیدی را در مورد اعراب می‏آورد([[76]](#footnote-76)) | 66 | قضاوت جدید نمی‌کند و عرب و عجم برای او فرقی ندارند و معیار او اسلام است نه نژاد |
| 67 | وقتی بخواهد چیزی یاد بگیرد، خداوند به او یاد می‏دهد([[77]](#footnote-77)) | 67 | مثل ساير مردم علم می‎آموزد |
| 68 | بدون علت می‏کشد([[78]](#footnote-78)) | 68 | جز به حق نمي‏کشد |
| 69 | مسجدی درست می‌کند که 1000 در دارد([[79]](#footnote-79)) | 69 | چنین مسجدی بنا نمی‌کند |
| 70 | زنی او را می‏کشد که ریش دارد و حسین او را کفن می‌کند([[80]](#footnote-80)) | 70 | چنین زنی او را نمی‏کشد و حسین در زمان او زنده نمی‏شود |
| 71 | پیراهن رسول الله ص را می‏پوشد([[81]](#footnote-81)) | 71 | پیراهن رسول الله ص را نمی‏پوشد |
| 72 | حرکت ستارگان در زمان او تغییر می‌کند([[82]](#footnote-82)) | 72 | حرکت ستارگان در زمان او تغییر نمی‌کند |
| 73 | عجم در زمان او قرآن را به مردم می‏آموزند([[83]](#footnote-83)) | 73 | مردم از حافظان، قرآن می‏آموزند و میان عرب و عجم جز تقوا تفاوتی نیست |
| 77 | تمام اموال دنیا نزد او جمع می‏شود([[84]](#footnote-84)) | 77 | تمام اموال دنیا نزد او جمع نمی‏شود |
| 78 | از فرزندان حسین است | 78 | از فرزندان حسن یا حسین است |
| 79 | وقتی خروج کرد تمام 11 امام بر می‏گردند([[85]](#footnote-85)) | 79 | در زمان او کسی زنده نمی‏شود |
| 80 | نایب و سفیر و دربان دارد | 80 | نایب و سفیر و دربان ندارد |
| 81 | دو غیبت صغری و کبری دارد | 81 | او غیبت ندارد |

جدول بالا برگرفته از کتاب: عجيب‎ترين دروغ تاريخ

تأليف: عثمان بن محمد الخميس

تصحيح و تعليق: عبدالله بن سلمان

ترجمه: اسحاق بن عبدالله العوضی

1. - الغيبة نعمانى ص 153 وبحار مجلسى 52/353. [↑](#footnote-ref-1)
2. - ارشاد مفيد ص 364 وبحار مجلسى 52/338. [↑](#footnote-ref-2)
3. - الرجعة احسائى ص 51. [↑](#footnote-ref-3)
4. **- خداوند متعال می‌فرماید:** ﴿إِنَّ ٱلدِّينَ عِندَ ٱللَّهِ ٱلۡإِسۡلَٰمُ﴾ [آل عمران: 19] «همانا دین (حق) نزد خدا، اسلام است». و **می‌فرماید:** ﴿وَمَن يَبۡتَغِ غَيۡرَ ٱلۡإِسۡلَٰمِ دِينٗا فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡهُ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ٨٥﴾ [آل عمران: 85] «و هر کس که دینی غیر از اسلام بر گزیند، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد، و او در آخرت از زیانکاران است». [↑](#footnote-ref-4)
5. - الغيبة از نعمانى ص 154 و220و167. [↑](#footnote-ref-5)
6. - الغيبة از طوسى ص 283 و153 وبحار مجلسى 52/354. [↑](#footnote-ref-6)
7. - كافى كلينى ص 156 وبصائر الدرجات از صفار ص 278. [↑](#footnote-ref-7)
8. **()- الغیبة، طوسی، ص329.** [↑](#footnote-ref-8)
9. **()- کمال الدین و تمام النعمة، صدوق، ص367؛ بحارالانوار، 52/322؛ کشف الغمة، اربلی، 3/331.** [↑](#footnote-ref-9)
10. **()- مختارات من احادیث و خطابات الإمام الخمینی، 2/42.** [↑](#footnote-ref-10)
11. **()- بحار الانوار، 43/364؛ الحدائق الناظرة، بحرانی، 18/425، عیون اخبار الرضا، صدوق، 1/219-220.** [↑](#footnote-ref-11)
12. **()- الکافی، کلینی، 1/258؛ بصائر الدرجات، صفار، ص500؛ بحارالانوار، 27/285.** [↑](#footnote-ref-12)
13. **()- بسیاری از شیعیان به احادیث وارده در کتاب‌های اهل سنت استدلال می‏کنند که این همان مهدی آن‌ها امام دوازدهم است. در حالی که این تفاوت‌های آشکار تفاوت میان دو مهدی را روشن می‎کند.** [↑](#footnote-ref-13)
14. **()- بحار الأنوار 51/2-28.** [↑](#footnote-ref-14)
15. **()- بحار الأنوار 53/14، 22/240.** [↑](#footnote-ref-15)
16. **()- بحار الأنوار 52/349.** [↑](#footnote-ref-16)
17. **()- بحار الأنوار 51/26.** [↑](#footnote-ref-17)
18. **()- بحار الأنوار 52/338.** [↑](#footnote-ref-18)
19. **()- الغيبة للنعمانی: ص200.** [↑](#footnote-ref-19)
20. **()- نگا: بحار الأنوار 53/202-312 .** [↑](#footnote-ref-20)
21. **()- النجم الثاقب: ص293.** [↑](#footnote-ref-21)
22. **()- بحار الأنوار 52/315.** [↑](#footnote-ref-22)
23. **()- بحار الأنوار 51/34.** [↑](#footnote-ref-23)
24. **()- بحار الأنوار 52/346.** [↑](#footnote-ref-24)
25. **()- بحار الأنوار 51/24.** [↑](#footnote-ref-25)
26. **()- بحار الأنوار 52/96.** [↑](#footnote-ref-26)
27. **()- بحار الأنوار 52/126.** [↑](#footnote-ref-27)
28. **()- بحار الأنوار52/128.** [↑](#footnote-ref-28)
29. **()- بحار الأنوار 52/276.** [↑](#footnote-ref-29)
30. **()- بحار الأنوار 52/286.** [↑](#footnote-ref-30)
31. **()- بحار الأنوار 52/348.** [↑](#footnote-ref-31)
32. **()- بحار الأنوار 52/389.** [↑](#footnote-ref-32)
33. **()- النجم الثاقب: ص 135.** [↑](#footnote-ref-33)
34. **()- النجم الثاقب: ص144.** [↑](#footnote-ref-34)
35. **()- بحار الأنوار 51/26.** [↑](#footnote-ref-35)
36. **()- بحار الأنوار 51/26.** [↑](#footnote-ref-36)
37. **()- بحار الأنوار 51/27.** [↑](#footnote-ref-37)
38. **()- بحار الأنوار 51/14.** [↑](#footnote-ref-38)
39. **()- بحار الأنوار 51/20.** [↑](#footnote-ref-39)
40. **()- النجم الثاقب: ص266.** [↑](#footnote-ref-40)
41. **()- بحار الأنوار 51/33.** [↑](#footnote-ref-41)
42. **() – الغيبة للنعمانی: ص166.** [↑](#footnote-ref-42)
43. **()- الغيبة للطوسی: ص474.** [↑](#footnote-ref-43)
44. **()- بحار الأنوار 52/326.** [↑](#footnote-ref-44)
45. **()- بحار الأنوار 53/93.** [↑](#footnote-ref-45)
46. **()- بحار الأنوار 52/391.** [↑](#footnote-ref-46)
47. **()- الغيبة للطوسی، ص468.** [↑](#footnote-ref-47)
48. **()- بحار الأنوار 52/322.** [↑](#footnote-ref-48)
49. **()- الغيبة للنعمانی: ص239.** [↑](#footnote-ref-49)
50. **()- الغيبة للنعمانی: ص329 .** [↑](#footnote-ref-50)
51. **()- بحار الأنوار 52/325.** [↑](#footnote-ref-51)
52. **()- بحار الأنوار 2/309.** [↑](#footnote-ref-52)
53. **()- النجم الثاقب: ص293.** [↑](#footnote-ref-53)
54. **()- بحار الأنوار51/94.** [↑](#footnote-ref-54)
55. **()- بحار الأنوار 52/90.** [↑](#footnote-ref-55)
56. **()- بحار الأنوار 51/144.** [↑](#footnote-ref-56)
57. **()- بحار الأنوار 51/135 .** [↑](#footnote-ref-57)
58. **()- بحار الأنوار 53/8 .** [↑](#footnote-ref-58)
59. **()- يوم الخلاص: ص344.** [↑](#footnote-ref-59)
60. **()- يوم الخلاص: ص332.** [↑](#footnote-ref-60)
61. **()- بحار الأنوار 52/347 .** [↑](#footnote-ref-61)
62. **()- الغيبة للنعمانی، ص181.** [↑](#footnote-ref-62)
63. **()- يوم الخلاص، ص382 .** [↑](#footnote-ref-63)
64. **()- يوم الخلاص، ص 381 .** [↑](#footnote-ref-64)
65. **()- يوم الخلاص: ص381 .** [↑](#footnote-ref-65)
66. **()- يوم الخلاص، ص379.** [↑](#footnote-ref-66)
67. **()- يوم الخلاص، ص379.** [↑](#footnote-ref-67)
68. **()- بحار الأنوار 53/148.** [↑](#footnote-ref-68)
69. **()- بحار الأنوار 53/95 .** [↑](#footnote-ref-69)
70. **()- بحار الأنوار53/92.** [↑](#footnote-ref-70)
71. **()- بحار الأنوار 53/92 .** [↑](#footnote-ref-71)
72. **()- تاريخ مابعد الظهور، ص575.** [↑](#footnote-ref-72)
73. **()- تاريخ مابعد الظهور، ص271.** [↑](#footnote-ref-73)
74. **()- تاريخ مابعد الظهور، ص349.** [↑](#footnote-ref-74)
75. **()- تاريخ مابعد الظهور، ص397.** [↑](#footnote-ref-75)
76. **()- تاريخ مابعد الظهور: ص443.** [↑](#footnote-ref-76)
77. **()- تاريخ مابعد الظهور: ص473.** [↑](#footnote-ref-77)
78. **()- تاريخ مابعد الظهور: ص472.** [↑](#footnote-ref-78)
79. **()- تاريخ مابعد الظهور: ص545.** [↑](#footnote-ref-79)
80. **()- تاريخ مابعد الظهور: ص616.** [↑](#footnote-ref-80)
81. **()- إلزام الناصب 1/164 .** [↑](#footnote-ref-81)
82. **()- إلزام الناصب 2/246.** [↑](#footnote-ref-82)
83. **()- بحار الأنوار 52/364.** [↑](#footnote-ref-83)
84. **()- إلزام الناصب 1/157.** [↑](#footnote-ref-84)
85. **()- بحار الأنوار 53/39.** [↑](#footnote-ref-85)